

تحلیل جامعه‌شناختی فرآیندهای رسیدن به گورخوابی

فاطمه صدرنبوی^۱، اسما صفت‌گل^۲

چکیده

پدیده گورخوابی چندسالی است در برخی از شهرهای ایران شکل گرفته است. این پدیده به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل آسیب‌پذیر در جامعه شهری، مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته است. مطالعه حاضر با رویکرد کیفی و با هدف شناسایی فرآیندهای بروز گورخوابی در میان گورخوابان به بررسی پرداخته است. از آنجا که برای فهم درست پدیده گورخوابی، شناخت دینامیک ورود به این شکل از زندگی حائز اهمیت است، ما نیز با استفاده از روش تحلیل روایت بر اساس روش هونوپرت، به زندگی آن‌ها رسوخ کرده تا بتوانیم فرایندهای مهم زندگی که آن‌ها را به سمت گورخوابی کشانده است را به دست آوریم، استفاده نموده‌ایم. برای فهم عمیق‌تر عوامل رسیدن به گورخوابی، از تکنیک مصاحبه‌های باز و عمیق استفاده و نمونه‌گیری به صورت هدفمند انتخاب شده است. اعتباریابی با استفاده از معیار زاویه‌بندی دینزین و پایایی بر اساس چهار معیار صحت فرآیندهای دنبال شده، قابل فهم بودن، استفاده از مستندات و شواهد کافی و فراهم‌سازی مکانیزم‌های غلبه بر خطا بوده است. بر اساس یافته‌های تحقیق می‌توان به سه مدل کلیدی و برساختی درباره فرآیند گورخوابی دست‌یافت؛ ۱- مدل

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (نویسنده مسؤل)
sadrnabavi@mshdiau.ac.ir

۲- کارشناس ارشد گروه علوم اجتماعی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران
sefatgol054@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۹

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۷/۴

سابقهٔ اعتیاد در خانواده ۲_ مدل فقر فرهنگی ۳_ مدل عوامل اجتماعی _ اقتصادی.

واژه‌های کلیدی

گورخوابی، بی‌خانمانی، خانوادهٔ متزلزل

مقدمه و بیان مسأله:

بی‌خانمانی در سطح جهان از گذشته‌های دور و با پیدایش بشر وجود داشته است. بی‌خانمانی در ادبیات علوم اجتماعی طیف وسیعی از افراد و گروه‌ها را در بر می‌گیرد که مشخصهٔ اصلی آن نداشتن خانه و یا مسکن است؛ از این‌رو شکل‌ها و انواع مختلفی از بی‌خانمانی مطرح است؛ کسانی که در سوانح طبیعی همچون سیل و زلزله، خانه و کاشانهٔ خود را از دست می‌دهند یا کسانی که به علت فقر شدید نتوانسته‌اند برای خود مسکن و سرپناهی تهیه نمایند، بی‌خانمان نامیده می‌شوند؛ اما دستهٔ دیگری از افراد بی‌خانمان وجود دارند که تحت تأثیر نابسامانی‌های اقتصادی و آسیب اجتماعی به‌ویژه سوء مصرف مواد به گونهٔ جدیدی از بی‌خانمانی، با عنوان گورخوابی کشیده شده‌اند (بخشی‌نیا، ۱۳۹۷).

این شکل جدید از بی‌خانمانی و بی‌سرپناهی طی چند سال گذشته در ایران پدیدار گشته است. گرچه در گذشتهٔ کشورمان، واژه‌های بی‌خانمان، ولگرد، بی‌سرپناه و کارتن‌خواب رایج بوده است؛ اما گورخوابی و پدیدهٔ گورخوابی نوعی از حاشیه‌نشینی است که نقطهٔ اوج طردشدگی را نشان می‌دهد. در واقع کسانی که از جامعه رانده شده‌اند و شیوهٔ متعارف زندگی اغلب مردم را دنبال نمی‌کنند به‌طور بدیهی از برخی امکانات محروم شده و در گروه افراد بی‌خانمان قرار می‌گیرند (کلانتری و همکاران، ۹۲).

از نگاه دیگر و طبق نظر میلز؛ بی‌خانمانی هم یک شکل فردی و هم یک مسألهٔ عمومی است. برای اشخاصی که بی‌خانمانند مشکل فردی به حساب می‌آید؛ اما از آنجا که بی‌خانمانی در جامعهٔ ما، افراد زیادی را گرفتار کرده و موجبات نگرانی جامعه را

فراهم آورده مسأله‌ای اجتماعی و عمومی نیز هست. دفتر اسکان بشر سازمان ملل متحد^۱ اعلام کرد در جهان بیش از یک میلیارد نفر بی‌خانمان یا افرادی که در محیط و سکونتگاه‌های نامناسب زندگی می‌کنند وجود دارند. اتحاد ملی برای پایان دادن به بی‌خانمانی این سؤال را مطرح می‌کند که چه کسانی در آمریکا در معرض بی‌خانمانی‌اند؟ و سپس پاسخ می‌دهد با توجه به اینکه فقر در سطح ملی ۱۵/۹ درصد است و بیش از ۴۸ میلیون نفر در آمریکا (۲۰۱۱) در فقر زندگی می‌کنند می‌توان گفت هیچ کس واقعاً در مقابل بی‌خانمانی مصون نیست (بیمر و هوجز، ۲۰۱۴).^۲

در بیشتر کشورهای دنیا، سیاست‌های اجتماعی به شکل‌های مختلف و شدت و ضعف متفاوت این بخش از جامعه شهری را هدف قرار داده و برای بهبود وضعیت آن اقدام می‌کنند. هرچند آمار دقیقی از بی‌خانمانی در شهرهای ایران وجود ندارد؛ اما پدیده گورخوابی در ایران، نخستین بار در سال ۱۳۹۵ با گزارش روزنامه شهروند^۳ درباره ۵۰ گورخواب قبرستان نصیرآباد شهریار که از سرمای زمستان، به قبرهای خالی گورستان پناه برده بودند مورد توجه قرار گرفت. در همان روزها بود که مشابه این خبر از زابل هم منتشر شد. قبرستان قدیمی زابل، به دلیل تخریب بسیاری از قبرها، محلی برای تجمع معتادان شده است و عده‌ای از افراد قبرهای تخریب شده را به دلیل بی‌سرپناهی و سرمای شدید زمستان محلی برای استراحت خود قرار داده‌اند. وجود قبرستان‌ها در داخل شهر زابل باعث شده تا عمدتاً به سکونتگاه‌هایی غیررسمی برای افراد ایجاد شود. از مهمترین مسائل و آسیب‌های اجتماعی در شهر که در نتیجه کمبود موقعیت‌های شغلی، آب و هوای (گرم و خشک) طاقت‌فرسا و مهمترین آنها مشکلات مالی و نزدیکی به مرز و در دسترس بودن مواد مخدر فراوان به قیمت اندک شکل می‌گیرد، می‌باشد. اسکان جمعیت در چنین مناطقی بیش از آنکه تابع دستگاه‌های مسئول و مداخله دولت باشد، نتیجه روی آوردن گروه‌های کم‌درآمد به جایگاهی که مالک شخصی ندارد و در پیرامون

1. National Allianceto End Homelessness 2014
2. Hodges & Beamer 2014
3. <https://shshrvand-newspaper.ir>

شهر وجود دارد شده است (خبرگزاری ایرنا^۱).

شناسایی فرآیندهای طرد شدن افراد از زندگی اجتماعی می‌تواند موجب بهبود رشد کمی و کیفی جامعه شود. بهبود یافتن زندگی این افراد از طریق شناسایی فرآیندهای رسیدن به گورخوابی است که با یافتن این فرآیندها کاهش در نابرابری اجتماعی باید صورت گیرد. از آنجا که، برای فهم درست پدیده بی‌خانمانی، شناخت دینامیک ورود به این شکل از زندگی حائز اهمیت است، ما نیز باید به زندگی آنها رسوخ کرده تا بتوانیم فرآیندهای مهم زندگی که آنها را به سمت گورخوابی کشانده است به دست آوریم. در نظام اجتماعی حاکم در شهر زابل، آنچه موجب عدم جلوگیری از این اتفاقات می‌شود، بدی آب و هوا، کمبود شغل و وضعیت نابسامان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است؛ درهم آمیخته‌شدن این شرایط برای افراد، آنها را پیوسته به سمت طرد از اجتماع انسانی می‌کشاند. عوامل گورخوابی، بازتاب مسائل و مشکلات پیچیده موجود در جامعه است و به همین دلیل حل این مشکلات به آسانی ممکن نخواهد بود (صدیق‌سروستانی، نصر اصفهانی، ۱۳۸۹).

با توجه به مشاهدات اکتشافی که قبل از تحقیق انجام شده به این نتیجه رسیدیم که در شهر زابل قبرستان قدیمی شهر در محله‌ای به نام استادیوم واقع شده و نمونه‌های گورخوابی در آنجا دیده شده است. وجود این قبرستان در بین اهالی آن منطقه به عنوان مصداقی از آسیب اجتماعی در منطقه جنوبی کشور به حساب می‌آید. با توجه به اینکه این پدیده در چند سال اخیر پدیدار گشته و با توجه به تمام کاوش‌های انجام شده در تحقیقات صورت گرفته، اطلاعات مربوط به گورخوابی در قالب یک دسته گزارش روزنامه‌ای و خبرگزاری‌ها که پروژه علمی نبوده، درباره نحوه زندگی آنان وجود داشته است؛ اما هیچ یک تحقیقی علمی، با عنوان گورخوابی نبوده است؛ به همین دلیل؛ مطالعه عمیق آن می‌تواند یک مسأله مهم و قابل تحقیق باشد. پژوهشگران با انجام تحقیق حاضر در پی یافتن علل رسیدن به مرحله گورخوابی، گورخوابان شهر زابلند.

پیشینه تحقیق:

از دیدگاه جامعه‌شناسی، بی‌خانمانی مسأله‌ای اجتماعی است که می‌تواند به آسیب اجتماعی تبدیل گردد. در این بخش به بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری پدیده بی‌خانمانی (گورخوابی) در مطالعات و تحقیقات داخلی و خارجی انجام شده، پرداخته شده است. مرتضی دیاری در سال ۱۳۹۷ در تحقیقی با عنوان «روایت پژوهی طرد اجتماعی زنان کارتن‌خواب در تهران، با روش کیفی و مصاحبه عمیق با زنان کارتن‌خواب در تهران» به این نتایج رسیده است؛ بحران مسکن و ازدواج با همسر معتاد، طرد اجتماعی و فرار از منزل، از عوامل آشکار در کارتن‌خوابی زنان است.

راونهییل^۱ در پژوهشی با عنوان «فرهنگ بی‌خانمانی، پژوهشی مردم‌نگارانه» در سال ۲۰۱۴، فرهنگ بی‌خانمانی را در تقابل با جامعه می‌بیند؛ هدف اصلی پژوهش داشتن نگاه تازه به شخص بی‌خانمان به‌ویژه شخصی که به‌طور طولانی مدت بی‌سرپناه بوده است. این پژوهش نشان داده چگونه فرهنگ بی‌خانمانی از طریق افرادی که توسط جامعه اصلی به بی‌خانمانی سوق داده شده‌اند، به مثابه فرهنگ تقابلی شکل می‌گیرد.

در پژوهشی دیگر گاتلین^۲ تحقیقی با عنوان «بی‌خانمان‌هایی که با موفقیت به خودکفایی رسیده‌اند» در سال ۲۰۱۴ عقیده دارد برای شناخت بهتر ادراک کسانی که دوره بی‌خانمانی را تجربه کرده‌اند، باید بی‌خانمانی را در چارچوب تاریخی آن بفهمیم. او در پژوهش خود به توصیف تجربه ۱۰ مرد بی‌خانمان که توانسته‌اند از بی‌خانمانی به خودکفایی برسند پرداخته است. یافته‌ها اشاره دارد که منبع درآمد قابل اتکا، استقامت و ایمان شخصی، عوامل مهمی در دستیابی به خودکفایی‌اند.

مورگان^۳ در پژوهشی با عنوان «فرار از بی‌خانمانی» در سال ۲۰۱۱ با استفاده از تحلیل پدیدارشناسی تفسیری، مقولات ظاهر شده در این پژوهش را شکست در زندگی، تصمیم به تغییر، گذشته بد، زمان حال خوب و آینده بهتر بیان کرد. آنچه مورد بررسی قرار گرفت، فرار از بی‌خانمانی بر حسب تغییر هویت به‌ویژه نیاز به اصطلاح هویت

1. Roavenheel
2. Gatlin
3. Morgan

درهم‌شکسته افراد بی‌خانمان بود. واشینگتن^۱ به بررسی الگوهای سوء مصرف مواد در بین جوانان بی‌خانمان در سال ۲۰۰۹ با روش نظریه زمینه‌ای، مقوله هسته‌ای مصرف مواد پرداخته است. مصرف مواد بر تصمیم این جوانان بی‌خانمان در ترک خانه، شکل دادن روابط با افراد بی‌خانمان و معتاد و شیوه‌های گذرانیدن زندگی در خیابان تأثیر جدی داشته است. تحقیقات بسیاری در زمینه بی‌خانمانی در سطح داخلی و خارجی انجام شده است که برخی از آن‌ها به اختصار بیان شد. علاوه بر آن‌ها، تحقیقات دیگری نیز در این زمینه بررسی شده‌اند از جمله تحقیقاتی که؛ سفیری و همکاران، ۹۲/ پروین و همکاران، ۹۵/ جوادی و همکاران، ۹۶/ دغاقله و همکاران، ۸۹/ کیندسی^۲، ۲۰۱۳/ فال^۳، ۲۰۰۴/ وو^۴، ۲۰۱۴/ ون‌گیست^۵، ۲۰۰۲/ فیلیپس^۶، ۲۰۱۲/ هسلبروک^۷، ۲۰۰۶/ کجل پل^۸، ۲۰۰۷/ هدگس^۹، ۲۰۱۴/ اسنودآندرسون^{۱۰}، ۱۹۹۳/ هوپر^{۱۱}، ۱۹۹۱/ مایور^{۱۲}، ۲۰۱۱/ گلاسر^{۱۳}، ۱۹۶۷/ پاترسون^{۱۴}، ۲۰۰۹/ سادن الیشوا^{۱۵}، ۲۰۰۴/ شیرمیشل^{۱۶}، ۲۰۱۰/ آندرسون^{۱۷}، ۲۰۱۰/ کرانلی^{۱۸}، ۲۰۱۰/ دشورا^{۱۹}، ۲۰۰۴/ کسیا و همکاران^{۲۰}، ۲۰۱۲/

-
1. Washington
 2. Kindey
 3. Fall
 4. Wu
 5. Vengeest
 6. Philipps
 7. Hesselbrock
 8. Koegle, paul
 9. Hodges
 10. Snow Anderson
 11. Hopper
 12. Mayor
 13. Glaser
 14. Patterson
 15. Sadan, Elhsheva
 16. Shier Micheal
 17. Anderson
 18. Cranley
 19. Dashora
 20. Kesia et at

مالکلم^۱، ۲۰۰۴ / مانن^۲، ۲۰۰۶ / آرنولد^۳، ۲۰۰۴ انجام داده‌اند. از آنجا که گورخوابی در چند سال اخیر در ایران پدیدار گشته و جنبه‌ای نو دارد و با تمام بررسی‌های انجام‌شده، هیچ‌گونه تحقیقی در زمینه گورخوابی وجود ندارد و از طرفی گورخوابی به بی‌خانمانی و ابعاد آن شباهت دارد؛ بنابراین بررسی پژوهش‌های داخلی و خارجی در زمینه کارتن‌خوابی و بی‌خانمانی، از بسیاری جهات راه‌گشای پژوهش قرار گرفته‌اند. بیشترین موضوعات انجام شده در حوزه بی‌خانمانی و کارتن‌خوابی شامل چهار عامل کلی بودند؛ عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی، وضعیت سلامتی و وضعیت خانوادگی.

ملاحظات نظری، سؤالات و اهداف تحقیق:

در فرایند رسیدن به علل گورخواب شدن، گورخوابان شهر زابل؛ نظریه زیست‌شناختی ارثی و ژنتیکی بودن مصرف مواد، نظریه روان‌شناختی، نظریه رویکرد کنش متقابل نمادین، نظریه پیوند افتراقی، نظریه کنترل اجتماعی، الگوی انتقال فرهنگی، نظریه داروینیسیم اجتماعی فقر، نظریه موقعیتی فقر و نظریه ساختاری فقر می‌تواند به نتایج تحقیق ما کمک نماید.

فرآیندهایی که گورخوابان طی کرده‌اند تا به مرحله گورخوابی در شهر زابل رسیده‌اند

چیست؟

چه چالشها و موقعیت‌هایی در رسیدن به گورخوابی گورخوابان زابل وجود دارد؟

افراد گورخواب با چه استراتژی‌هایی بر چالشهای پیش‌رو فائق می‌آیند؟

- بررسی فرآیندهای اجتماعی رسیدن به گورخوابی، گورخوابان شهر زابل
- بررسی چالش‌ها و موقعیت‌های رسیدن به گورخوابی ساکنان شهر زابل
- بررسی استراتژی‌ها و فائق‌شدن بر موقعیت‌های پیش‌روی گورخوابان

روش تحقیق

جامعه‌ی مورد بررسی پژوهش کیفی حاضر، افراد گورخواب شهرستان زابل‌ند. از میان روش‌های موجود در رویکرد کیفی، برای کشف فرآیندهایی که باعث گرویدن افراد به گورخوابی گردیده، از روش تحلیل روایت استفاده نموده‌ایم در تحلیل روایت پژوهانه، پژوهشگر توصیفات رویدادها یا اتفاقات را گردآوری کرده و آنها را با استفاده از پی‌رنگ به صورت یک داستان ارائه می‌دهد. یک تعریف ایجابی و حداقلی از روایت، آن را توالی غیرتصادفی رخدادها و حوادث در یک زنجیره‌ی زمانی می‌داند. در این روش، زندگی به منزله‌ی روایت در نظر گرفته می‌شود تا بتوان بر ساخت روایی واقعیت را بدون استفاده از رویه‌های گردآوری داده‌ها که مشخصاً به دنبال دستیابی به روایتند تحلیل کرد. این تحلیل به ما کمک خواهد کرد تا پیشینه‌ی زندگی این افراد و عواملی که باعث شده آن‌ها گورخواب شوند را شناسایی نماییم و در نهایت بتوان مدل فرایندی گورخواب شدن را ترسیم کرد. در ترسیم مدل فرایندی، سازمان‌دهی مطالب در یک ترتیب متوالی تقویمی و متمرکز ساختن محتوای مطالب در حول یک داستان منسجم (البته در کنار طرح‌ها و پی‌رنگ‌های فرعی) بوده است (ذکایی، ۱۳۸۷).

با توجه به کیفی بودن پژوهش حجم نمونه از قبل تعیین نشده است (استراوس و کوربین^۱، ۱۳۹۲:۱۶۵) بلکه در فرایند جمع‌آوری تا رسیدن به درجه‌ی اشباع نمونه‌گیری ادامه داشته است. راهبرد به کار گرفته شده، نمونه‌گیری هدفمند بوده و از تکنیک مصاحبه‌ی باز، بدون ساختار و عمیق با افراد گورخواب استفاده شده است.

کنش‌های گوناگونی در داستان‌ها وجود داشته؛ اما هدایت به سمت پایان داستان از طریق توالی رویدادها امکان‌پذیر است که در نهایت مشخص می‌شود کدام رویداد از اهمیت برخوردار است. در این مرحله، مدل‌های هر مصاحبه با هم مقایسه می‌شوند. هدف آن است تا بتوان با استفاده از اشتراک‌های هر مدل، مدل‌های کلی در زمینه‌ی گورخواب شدن را انتزاع کرد. این تقابل مدل‌ها کمک می‌کند تا شاخص‌ها و بخش‌های

اصلی و مهم‌تر نسبت به بخش‌های غیر مهم، برجسته شوند. پس از تقابل مدل‌ها با یکدیگر و انتزاع بخش‌های مختلف هر مدل، مدل‌های کلی از گورخواب شدن ارائه گردیده است. برای اعتباریابی تحقیق از معیار زاویه‌بندی دنزین^۱ استفاده شده و برای رسیدن به قابلیت وابستگی یا همان پایایی، استفاده از راهکارهایی همچون رسیدن به قابلیت وابستگی در طول طرح تحقیق مورد توجه بوده است. این تحقیق شامل آزمون و مستندسازی فرآیندهای مورد بررسی است که در طول مرحله تحقیق اتفاق می‌افتد، یعنی بررسی‌کننده موارد زیر را بررسی می‌کند: صحت فرآیندهای دنبال شده، قابل فهم بودن، استفاده از مدارک و مستندات و شواهد کافی، فراهم سازی مکانیزم‌های غلبه بر خطا. تا فرآیندهای رسیدن به گورخوابی به صورت علمی ترسیم شود (همان).

مفاهیم اساسی تحقیق:

بی‌خانمانی: بی‌خانمانی را به معنای نداشتن اقامتگاه اولیه در نظر می‌گیرند (علی‌پوردی نیا، ۱۳۸۹).

مقوله بی‌خانمانی سه گروه را در بر می‌گیرد:

۱ - افرادی که برای خویش سرپناهی فراهم کرده‌اند؛ یعنی یا مکانی برای سکونت یافته‌اند یا حمایت مالی.

۲- افرادی که در خیابان‌ها و در وضعیتی نامناسب زندگی می‌کنند.

۳- افرادی که به سبب کمبود سرپناه‌های واقعی، نزد آشنایان یا وابستگان به سر می‌برند. البته این گروه‌ها می‌توانند همپوشانی نیز داشته باشند؛ یعنی افرادی که در خیابان می‌خوابند، ممکن است شب بعد را در پناهگاه‌ها بگذرانند. به هر حال، افراد بی‌سرپناه، به لحاظ نحوه گذران شب، عموماً در یکی از گروه‌های بالا جای می‌گیرند (بارت و دیگران^۲، ۲۰۰۷)

1. Denzin

2. Bart and others

گورخوابی: شکل خاصی از بی‌خانمانی در ایران است که طی آن افراد بی‌سرپناه برای رهایی از سرما به جای کارتن‌خوابی در مکان‌های عمومی، در گورها به سر می‌برند (ویکی‌پدیا).

یافته‌های پژوهش:

در این پژوهش مجموعاً با ۱۲ نفر از افرادی که در سال‌های اخیر به صورت دائمی و یا موقت از گورهای شهرستان زابل استفاده می‌کردند، مصاحبه شده است. مشخصات گورخوابان پژوهش در جدول شماره یک آمده است.

جدول ۱: مشخصات گورخوابان در پژوهش

نام	سن	تحصیلات	تحصیلات پدر	تحصیلات مادر	شغل پدر	شغل مادر	تاهل	پاتوق
بهجت	۴۰	پنجم دبستان	بی سواد	بی سواد	بنا	خانه‌دار	متاهل	منطقه استادیوم
مهدی	۵۵	پنجم دبستان	بی سواد	بی سواد	تراشکار	خانه‌دار	مجرد	منطقه استادیوم
عباس	۳۱	دیپلم	کاردانی	بی سواد	کارمند	خانه‌دار	مجرد	منطقه استادیوم
معصومه	۴۷	چهارم دبستان	بی سواد	بی سواد	داروغه روستا	خانه‌دار	متاهل	منطقه استادیوم
محمد	۳۳	چهارم دبستان	بی سواد	بی سواد	قاجاق مواد دامدار	خانه‌دار	مجرد	منطقه استادیوم
فاطمه	۴۲	بی سواد	بی سواد	بی سواد	ناثوا	خانه‌دار	متاهل	منطقه استادیوم
خدیجه	۳۵	اول راهنمایی	بی سواد	سیکل	کشاورز	خانه‌دار	متاهل	منطقه قبرستان
علی	۳۸	چهارم دبستان	بی سواد	بی سواد	آهنگر	خانه‌دار	مجرد	منطقه استادیوم
ناصر	۴۷	بی سواد	بی سواد	بی سواد	کارگر	قالی‌باف	متاهل	منطقه باسکول
سلطان	۳۳	راهنمایی	بی سواد	راهنمایی	موادفروش	خانه‌دار	مجرد	منطقه قبرستان
ابولفضل	۲۹	پنجم دبستان	دیپلم	راهنمایی	کارگر	خانه‌دار	مجرد	-
هادی	۲۵	دیپلم	دبستان	بی سواد	کارگر	کارگر	مجرد	-

خلاصه روایت‌های گورخوابان، چگونگی رسیدن به گورخوابی

خلاصه روایت رسیدن به گورخوابی بهجت: در مورد گورخوابی بهجت باید به سه عامل عمده توجه داشت: سابقه اعتیاد، خانواده متزلزل، رانده شدن از خانه. دلایل بازگشت بهجت به قبر: ۱_ برای مصرف مواد، جایی امن و دور از چشم مردم و مأموران است. ۲_ در زمستان مکانی مناسب بوده زیرا با کمترین آتش گرم می‌شود. ۳_ به گفته بهجت، قبرستان مکانی پاک و امن است و آدم راحت می‌تواند بخوابد. ۴_ مکان امن برای پنهان شدن از دست باجگیران است. بهجت به مدت سه سال و نیم از قبر استفاده می‌کرده است.

خلاصه روایت رسیدن به گورخوابی معصومه: در مورد گورخواب شدن معصومه باید به سه عامل عمده توجه کرد: سابقه اعتیاد، خانواده متزلزل، فقر اقتصادی. دلایل بازگشت معصومه به قبر: ۱_ برای مصرف مواد جایی امن و دور از چشم باجگیران است. ۲_ مکانی برای پنهان شدن از دست باجگیران است. ۳_ در زمستان جای سرپوشیده‌ای است و با کمترین هیزم گرم می‌شود. ۴_ برای خانم‌ها جای امنی است و راحتی دارند. ۵_ به عنوان خانه و سرپناهی امن است و کسی نمی‌تواند بدون اجازه وارد آن شود. معصومه مدت ۸ ماه از قبر استفاده می‌کرده است.

خلاصه روایت رسیدن به گورخوابی خدیجه: در مورد گورخواب شدن خدیجه باید به سه عامل عمده توجه داشت: زمینه اعتیاد در خانواده، خانواده متزلزل، فقر اقتصادی. دلایل بازگشت خدیجه به قبر: ۱_ نداشتن مکان و به پیشنهاد مادر زیرا به اعتقاد مادرش جای پاک و بی‌گناهی است. ۲_ دوری از چشم مأموران و زورگویان پاتوق‌ها. ۳_ در امان بودن از سرما و گرما. ۴_ مکانی امن برای خانم‌ها و امنیت از لحاظ مصرف مواد. خدیجه به همراه مادرش به مدت سه ماه است که از قبر استفاده می‌کنند.

خلاصه روایت رسیدن به گورخوابی فاطمه: در مورد گورخواب شدن فاطمه باید به سه عامل عمده توجه داشت: زمینه اعتیاد در خانواده، کمبود توجه و محبت، پاتوق رفتن و آشنایی با دوستان جدید. دلایل بازگشت فاطمه به قبر: ۱_ برای مصرف مواد

جایی امن و دور از چشم مأموران است. ۲_ مکانی امن برای پنهان شدن از دست باجگیران است. ۳_ برای خانم‌ها جای امنی است و خواب راحت در شب دارد. فاطمه به مدت یک سال شب‌ها از قبر استفاده می‌کرده است.

خلاصه روایت رسیدن به گورخوابی علی: در مورد گورخواب شدن علی باید به چهار عامل عمده توجه داشت: درگیری و طلاق والدین، فرار از بهزیستی و خیابان‌خوابی، شب‌نشینی و از دست دادن شغل، مهاجرت به سیستان. دلایل بازگشت علی به قبر: ۱_ دور از چشم مأموران. ۲_ حفظ بودن از سرما. ۳_ برای مصرف مواد، بهترین مکان است. ۴_ برای کسی که خانه ندارد بهترین سرپناه است. علی حدود ۲ سال است که از قبر استفاده می‌کند.

خلاصه روایت رسیدن به گورخوابی ابوالفضل: در مورد عوامل گورخواب شدن ابوالفضل باید به سه عامل مهم توجه داشت: خانواده متزلزل، شروع به کار و آشنایی با کارهای خلاف، فروش مواد. دلایل بازگشت ابوالفضل به قبر: ۱_ همراهی با دوستان برای استفاده از مواد. ۲_ در امان بودن از سرمای زمستان. ۳_ برای پنهان کردن مواد. ابوالفضل گاهی اوقات با دوستانش به قبر مراجعه می‌کند.

خلاصه روایت رسیدن به گورخوابی سلطان: در مورد عوامل گورخواب شدن سلطان باید به سه عامل عمده توجه داشت: سربازی و شروع مصرف مواد، مهاجرت از شهرهای مرزی، از دست دادن شغل و بیکاری. دلایل بازگشت سلطان به قبر: ۱_ همراهی با دوستان برای مصرف مواد. ۲_ دوری از چشم مأموران و آشنایان. سلطان مدت ۶ ماه است که از قبر استفاده می‌کند.

خلاصه روایت رسیدن به گورخوابی ناصر: در مورد عوامل گورخواب شدن ناصر باید به چهار عامل عمده توجه داشت: خانواده متزلزل، رفتن به زندان و کینه‌توزی، شروع به کار و آشنایی با کار خلاف، مهاجرت به زابل. دلایل بازگشت ناصر به قبر: ۱_ پنهان شدن از دست مأموران. ۲_ مصرف مواد دور از چشم مأموران و آشنایان. ۳_ در امان بودن از سرمای زمستان. ناصر ۸ ماه است که شب‌ها از قبر استفاده می‌کند.

خلاصه روایت رسیدن به گورخوابی محمد: در مورد عوامل گورخواب شدن محمد باید به سه عامل مهم توجه داشت: سابقه اعتیاد در خانواده، تبعیض در خانواده، روابط دوستانه ناسالم. دلایل بازگشت محمد به قبر: ۱_ همراهی با دوستان و مصرف مواد. ۲_ بی‌سرپناهی در زمستان. ۳_ دوری از چشم مأموران و مردم. محمد یک سال است که از قبر استفاده می‌کند.

خلاصه روایت رسیدن به گورخوابی مهدی: در مورد عوامل گورخواب شدن کیوان باید به چهار عامل عمده توجه داشت: جدایی والدین، انجام ورزشهای غیر قانونی، رفتن به سربازی، آشنایی با افراد گورخواب. دلایل بازگشت کیوان به قبر: ۱_ شرطبندی با دوستان. ۲_ مصرف مواد. ۳_ پنهان شدن از چشم دیگران. مهدی گاهی اوقات از قبر استفاده می‌کند.

خلاصه روایت گورخوابی هادی: در مورد عوامل گورخواب شدن هادی باید به سه عامل مهم توجه داشت: سابقه اعتیاد، روابط دوستانه ناسالم، دزدی مواد. دلایل بازگشت هادی به قبر: ۱_ برای پنهان ماندن و نجات جان خود. ۲_ مصرف مواد و دوری از مردم. ۳_ جای امن و دور از چشم مأموران.

خلاصه روایت رسیدن به گورخوابی عباس: در مورد گورخواب شدن عباس باید به دو عامل عمده توجه داشت: روابط دوستانه ناسالم، ترک خانه. دلایل رجوع عباس به قبر: ۱_ راحتی در مصرف مواد. ۲_ حفظ شدن از سرما در زمستان. ۳_ حفظ شدن وسایلش از دست دیگران. ۴_ دوری از چشم مأموران و مردم. عباس به مدت دو سال است که از قبر استفاده می‌کند.

پس از ترسیم فرآیند گورخوابی افراد مصاحبه‌شده، در هر مصاحبه به چند عامل مهم در رسیدن به مرحله گورخوابی رسیدیم، که گورخوابان توانسته‌اند بر این موانع و چالش‌ها که در مسیر زندگی‌شان با آن برخورداند، فائق آیند و تسلیم آنها و با آنها سازگار شده‌اند؛ پس از این به بخش نظریه‌ها مراجعه کردیم تا مدل اصلی پژوهش ترسیم گردد.

جمع‌بندی عوامل گورخواب‌شدن در مصاحبه‌ها:

در این بخش عوامل مختلفی را که محقق در فرآیند مصاحبه‌ها مشخص و دسته‌بندی کرد به سطح انتزاع رساندیم. پس از بررسی همه‌ی عوامل در مصاحبه‌ها، آنها را به عناوین مختلف تقسیم نموده و برای عواملی که جنسشان شبیه به یکدیگر است، شاخص کلی تعیین شد. ملاک تعیین این شاخص‌ها و نامگذاری برای هر شاخص، شرط شامل بودن ابعاد زیرمجموعه بوده است. در مرحله‌ی بعد، این عوامل به دو بخش عوامل اصلی و عوامل زمینه‌ای گورخواب‌شدن تقسیم گشته‌اند. دسته‌بندی‌ها در جداول دو، سه و چهار مشخص شده‌اند.

جدول ۲: عوامل اصلی گورخواب‌شدن

مواجه شدن با مشکلات سخت زندگی در دوران کودکی، فوت پدر، عدم نظارت و کنترل از سمت مادر، ترک از مدرسه، آشنایی با مواد مخدر در سن کم، ارتباط با دوستان ناباب، ازدواج نادرست و زودهنگام، ندیدن محبت از خانواده، داشتن همسر معتاد، عدم توانایی در نه گفتن، آرامش را در مواد یافتن، کینه داشتن از خانواده، طمع زیاد و انجام کار خلاف، فقدان وجود والدین	ویژگی‌های فردی و خانوادگی
عدم درآمد مناسب سرپرست خانواده، عدم وجود کار مناسب، کسب درآمد از راه فروش مواد	عوامل اقتصادی
عدم ارتباط با خانواده، عدم ارتباط با آشنایان، عدم وجود حمایتگر، نگاه سنگین مردم به ظاهر فرد	عوامل اجتماعی و فرهنگی

جدول ۳: عوامل زمینه‌ساز گورخواب‌شدن

وجود داشتن زمینه‌ی اعتیاد در خانواده، عدم نظارت کافی بر فرزند، رفت و آمد با دوستان ناباب از سنین کودکی، ترک خانه و خانواده، بی‌سرپناهی، همراهی با دوستان به نیت تمام کردن رفاقت	عوامل زمینه‌ساز
---	-----------------

جدول ۴: نوع گورخوابی

۱	مصرف مواد، ترس از باجگیران پاتوق، دور ماندن از چشم مأموران، محافظت از خود در برابر سرما
۲	مصرف مواد، دور ماندن از چشم مأموران، محافظت از خود در برابر سرما
۳	مصرف مواد، ترس از باجگیران پاتوق، همراهی با دوستان
۴	مصرف مواد، ترس از باجگیران پاتوق، دور ماندن از چشم مأموران، محافظت از خود در برابر سرما
۵	مصرف مواد، زمستان سرد، انبار مواد
۶	مصرف مواد، بی‌سرپناهی، دور ماندن از چشم مأموران
۷	مصرف مواد، همراهی با دوستان
۸	شروع مصرف مواد در سن ۱۳ سالگی، پنهان شدن
۹	مصرف مواد، بی‌سرپناهی، فاصله گرفتن از نگاه مردم، محافظت از خود در برابر سرما
۱۰	مصرف مواد، شرط‌بندی
۱۱	مصرف مواد، پنهان بودن، دور ماندن از چشم مأموران، محافظت از خود در برابر سرما
۱۲	مصرف مواد، فاصله گرفتن از نگاه دیگران، بی‌سرپناهی، محافظت از خود در برابر سرما

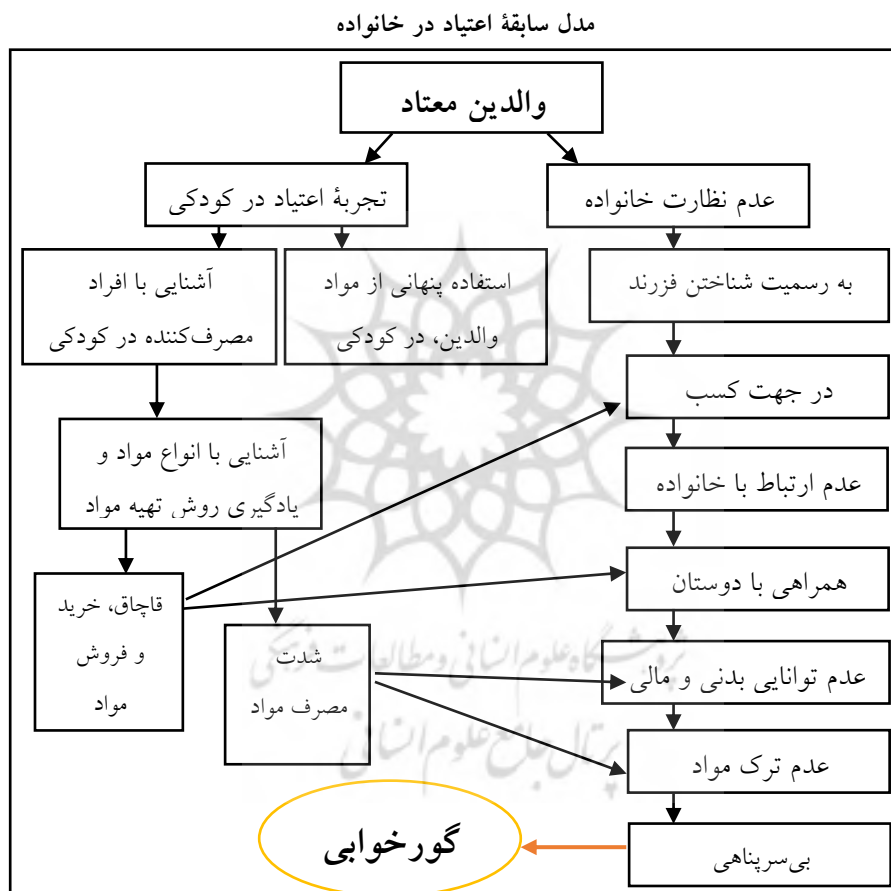
فرآیندهای کلی گورخواب شدن

در این بخش پس از مشخص شدن عوامل علی و زمینه‌ساز، مدل‌های کلی و همه‌شمول گورخواب شدن که از طریق مصاحبه‌ها استخراج شده‌اند و ترکیب و انتزاع از فرآیند هر مصاحبه‌اند، ترسیم و سه فرآیند علی متفاوت استخراج و شیوه اثرگذاری عوامل علی در هریک از این سه فرآیند به فراخور هریک توضیح داده شده است.

همچنین با فرآیندهای کلی گورخواب شدن، گورخوابان هم‌پوشانی دارند، در این بخش از میان عوامل گورخواب شدن، چند تیپ ایده‌آل مطابق با تعریف وبر از نمونه آرمانی ساخته شده است. بر این اساس سه فرآیند کلی گورخواب شدن انتزاع و ترسیم شده است و ممکن است گورخواب شدن، مخلوطی از این فرآیندها باشد یا فقط شامل یکی از این فرآیندها شود. این انتزاع موجب تفکیک واقعیت‌های مختلف از یکدیگر شده است تا نحوه تأثیر عوامل مختلف بر گورخواب شدن نشان داده شود. پررنگ کردن قسمت‌هایی از واقعیت اجتماعی که در سه فرآیند کلی گورخوابی آورده شده، بیان می‌کند که این قسمت‌های واقعیت اجتماعی برای محققان پژوهش حاضر، مهمند. در

حقیقت با وجود اینکه نگارنده معتقد است واقعیت اجتماعی همیشه شامل عوامل علی و زمینه‌ساز مختلف می‌شود، این انتزاع و تیپ‌سازی موجب می‌شود، اولاً بر بعضی از عوامل علی بیشتر تأکید شود، ثانیاً از طریق تیپ‌سازی، نحوه‌ی اثرگذاری عوامل علی مختلف که بر اساس شرایط، متفاوت و از نظر تیبی مهمند، استخراج گردد.

فرآیند اول گورخواب شدن



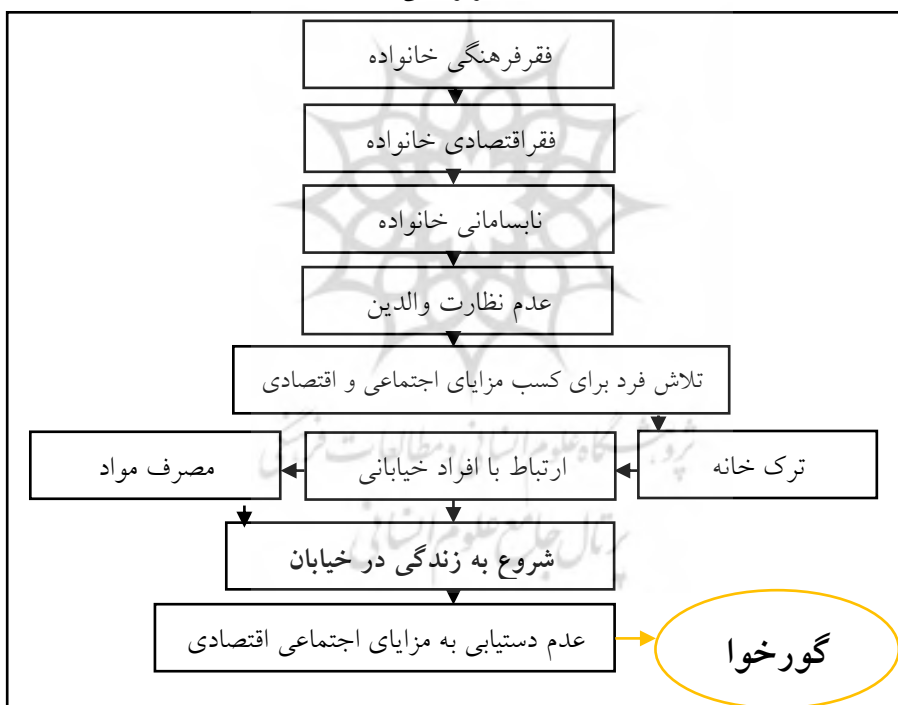
خرده فرآیند اول: در اکثر خانواده‌ها سابقه اعتیاد سرپرست یا یکی از والدین در آنها وجود دارد، این باعث عدم نظارت لازم بر فرزند می‌شود. متوجه شدن والدین از اعتیاد فرزندشان، معتاد بودن او را به رسمیت شناخته و مصرف موادشان مشترک می‌شود، آنگاه

که وضع اقتصادی خانواده نابسامان است، فرد برای کسب درآمد از خانه خارج شده و زندگی در کنار دوستان را ادامه می‌دهد و ارتباط با خانواده قطع می‌شود. از طرفی مصرف مواد فرد شدت گرفته و موجب ضعیف شدن جسمانی فرد می‌شود، بی‌سرپناه مانده و حمایتگری ندارد در نهایت به استفاده از قبر روی می‌آورد.

خرده فرآیند دوم: تجربه اعتیاد در دوران کودکی و کنجکاو شدن در مصرف پنهانی مواد والدین باعث، بروز اعتیاد و آشنایی فرد با انواع مواد شده و جهت تأمین مواد، به قاچاق، خرید و فروش آنها روی آورده و در نهایت به گورخوابی کشیده می‌شود.

فرآیند دوم گورخواب شدن

مدل فقر فرهنگی

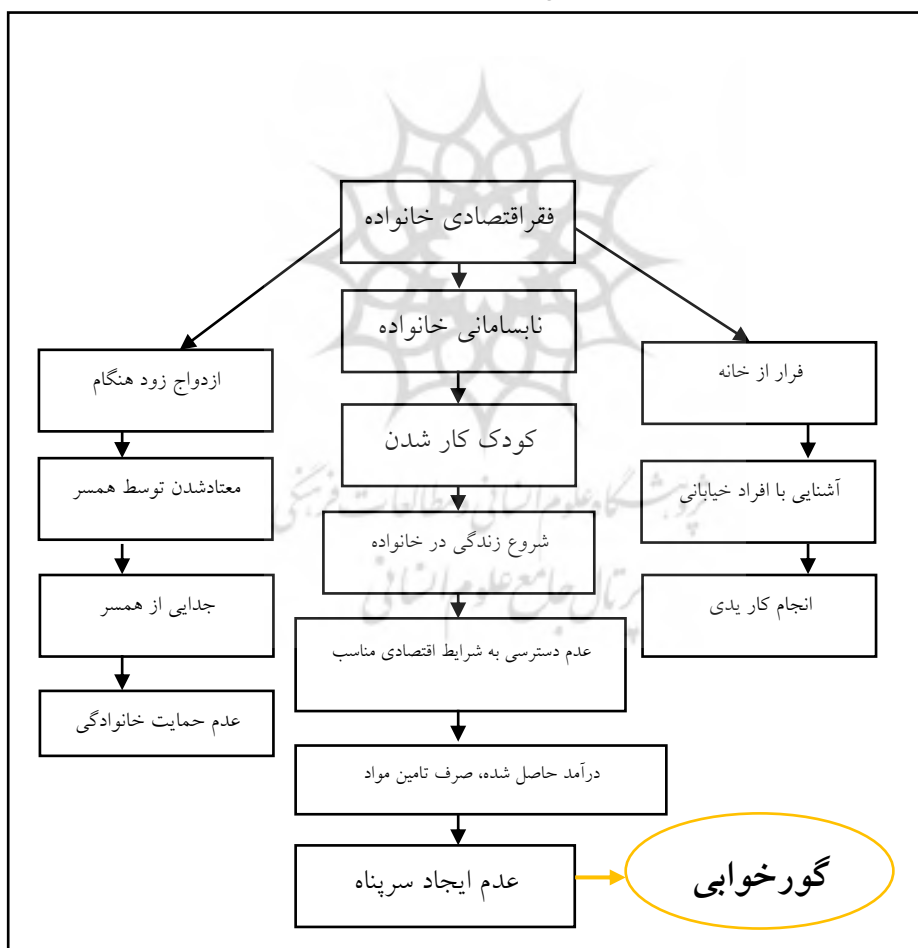


خرده فرآیند: بی‌سوادی یا کم‌سوادی سرپرست با عنوان فقر فرهنگی، موجب اشتغال به شغل کاذب و درآمد کم می‌شود و در نتیجه به ایجاد شرایط نامناسب اقتصادی در خانواده می‌انجامد و فقر اقتصادی شکل می‌گیرد. این فقر اقتصادی در خانواده تنش ایجاد

می‌کند و نابسامانی در خانواده ایجاد می‌شود و فوت سرپرست یا جدایی والدین باعث تشدید این نابسامانی می‌گردد. سپس نابسامانی در خانواده موجب کم‌توجهی شده و عدم حمایت والدین از نظر مالی، رفاهی و عاطفی، به عنوان عدم نظارت والدین، محسوب می‌شود. در نتیجه فرد به دنبال کسب درآمد و رسیدن به یک استقلال مالی مناسب است که در مسیر راه‌آشنایی با افراد نادرست و نبود حمایت، مسیر زندگی وی تغییر کرده و وجود مشکلات مالی و بی‌سرپناهی، فرد را به سمت استفاده از قبر کشانده است.

فرآیند سوم گورخواب شدن

مدل عوامل اجتماعی، اقتصادی



خرده فرآیند اول: فقر اقتصادی را می‌توان مهمترین عامل اصلی زمینه‌ساز و سوق‌دهنده فرد به گورخوابی دانست. ضعیف بودن درآمد سرپرست خانواده و زیاد بودن جمعیت خانواده باعث می‌شود نیازهای افراد مرتفع نشده و فرد را وامی‌دارد تا در پی کار و برطرف کردن نیازهایش باشد و در بسیاری از موارد باعث ترک خانه می‌شود. از طرفی در خیابان ماندن و آشنایی با افراد جدید باعث گرفتار شدن به اعتیاد می‌شود و بازنگشتن به خانه را به همراه دارد. از آنجا که شغل مناسبی پیدا نکرده و درآمدش فقط کفاف برطرف کردن خوراک و خرج موادش را می‌دهد، فرد در پی سرپناه نبوده و به زندگی در خیابان‌ها عادت کرده و ادامه می‌دهد و این باعث می‌شود، تحت تأثیر شرایط از قبر استفاده کرده، آنجا به عنوان سرپناهی امن برایش تلقی شده و در قبر بودن را به در خیابان ماندن ترجیح دهد. بی‌سرپناهی را می‌توان بهانه خوبی برای استفاده از قبر برایشان به کار برد؛ نداشتن مسکن و مکان مناسب شخصی مستقیماً منجر به گورخوابی نمی‌شود، بلکه در پی زمان و شرایط شهری، فرد رفته رفته به سمت گورخوابی کشانده می‌شود. منظور از بی‌سرپناهی در این پژوهش، آن زمانی است که شخص از قبل خانه و سرپناهی داشته؛ اما آن را به دلایلی از دست داده است و یا آن زمانی که شخص خانه و سرپناهی دارد؛ اما در حال حاضر دسترسی به آن ندارد.

خرده فرآیند دوم: به دلیل نداشتن توان مالی سرپرست خانواده و همچنین جمعیت زیاد خانواده، ازدواج به شیوه‌ای نادرست و زود هنگام شکل می‌گیرد، فرد توسط همسر به اعتیاد روی می‌آورد و به دلیل وجود پایه‌های متزلزل ایجاد شده، جدایی صورت گرفته و از طرفی مورد حمایت خانواده قرار نمی‌گیرد، بی‌سرپناه شده و به گور خوابی روی می‌آورد.

تطبیق فرآیند اول گورخواب شدن (مدل سابقه اعتیاد در خانواده) با نظریه‌های مرتبط:

در مدل سابقه اعتیاد در خانواده، مبنای معتاد شدن افراد با قرار گرفتن در یک نظام اجتماعی (معتاد) به نام خانواده شکل گرفته و برای افراد امری عادی است که در خانواده

سرپرست یا یکی از والدین اعتیاد دارد و مصرف مواد فرزندی در ابتدا با مخالفت ولی به عنوان امری عادی تلقی می‌شود؛ این مطالب موجب عدم حفظ نظام خانواده می‌شود، ارتباط برقرار کردن با دوستان نیز باعث مصرف انواع مواد شده یادگیری طرز تهیه را به همراه دارد. ادوین ساترلند^۱ بر این اعتقاد بود که رفتار انحرافی از طریق معاشرت با اغیار یا پیوند افتراقی یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم آموخته می‌شود (کوئین^۲، ۱۳۷۰). از طرفی فرد خانه را ترک کرده، در پی کار و قطع ارتباط با خانواده صورت می‌گیرد، این امر باعث مهیا شدن مسیر گورخوابی می‌شود.

طبق نظریه‌ی زیست‌شناختی، ارثی و ژنتیک بودن مصرف مواد را هنگامی می‌توان اظهار داشت که مادر در هنگام بارداری معتاد بوده و روی فرد تأثیر گذاشته است. از آن رو اشتیاق به مصرف مواد بیشتر است. طبق اظهارات دیگر زمانی که یکی از والدین یا هر دوی آنها مصرف‌کننده باشند، فرزندشان که از کودکی با آنها بزرگ شده مصرف مواد برایش امری عادی تلقی می‌شود. طبق تحقیقات انجام شده، میزان گرایش به اعتیاد در خانواده‌هایی که سابقه مصرف مواد را دارند یا پر جمعیتند، بیشتر از سایر خانواده‌هاست (ستاری، محمودی، ۱۳۸۲).

طبق نظریه‌ی روان‌شناختی، افرادی که عزت نفس پایین دارند و یا بیشتر مضطرب می‌شوند، در خانواده با کمبود محبت و توجه و یا تبعیض قائل شدن بین فرزندان و یا با از دست دادن یکی از والدین رو به رو می‌شوند و یا برای آرامش یافتن و رهایی از تنش از مواد استفاده کرده‌اند و در این بین خانه را ترک کرده، با شدت گرفتن مواد و عدم توانایی بدنی، قادر به ترک و بازگشت به خانه نیستند پس به سمت استفاده از قبرها کشیده می‌شوند. در پژوهش حاضر می‌توان گفت؛ تضعیف‌کننده‌های منفی زمانی به وجود می‌آید که سوء مصرف مواد مخدر به بروز تجارب ناخوشایندی مانند درد، اضطراب، خستگی و تنهایی ختم شده باشد (سروستانی، ۸۹).

طبق نظریه‌ی رویکرد کنش متقابل نمادین، در این حالت که اولین تجربه فرد با دوستان

1. Sutherland
2. Quinn

هم محلی‌اش صورت گرفته و با پخش شدن این موضوع به آنها برچسب معتاد زده شده، این جرأت را به آنها می‌دهد تا همه نوع مواد را تجربه کرده و با تمام فنون و روش‌های مواد آشنا شده و این غرور آنهاست که آهسته آهسته آنها را به یک معتاد تبدیل کرده است؛ در پی زمان قادر به ترک آن نیستند و ادامه داده تا اینکه به گورخوابی رسیده‌اند (توسلی، ۱۳۷۴).

مصرف مواد از طریق کنش متقابل نمادین در گروه‌های کوچک (همسالان و دوستان) یادگیری می‌شود. از طرفی ازدواج با همسری معتاد نیز باعث گرویدن به اعتیاد می‌شود؛ این مورد با تحقیق آقای دیاری در سال ۱۳۹۷ با عنوان روایت‌پژوهی طرد اجتماعی زنان کارتن خواب در شهر تهران، در مورد ازدواج با همسر معتاد، با تحقیق ما همسوست. صدیق سروسستانی و نصر اصفهانی در سال ۱۳۸۹ در تحقیق خود می‌گویند که در بسیاری موارد پیشینه فرد پیش از ابتلا به اعتیاد، می‌تواند گره‌گشای فهم علت کارتن‌خوابی وی باشد. این که اعتیاد، به تنهایی باعث کارتن‌خوابی نمی‌شود بلکه پیشینه‌ای از محرومیت‌های اجتماعی، در کنار اعتیاد و مصرف مواد مخدر می‌تواند موجب گسست فرد از روابط خانواده شده او را مجبور کند تا زندگی را در خیابان‌ها و مکان‌های عمومی بگذراند، با تحقیق حاضر هم‌پوشانی دارد.

تطبيق فرآیند دوم گورخواب شدن (مدل فقر فرهنگی) با نظریه‌های مرتبط :

در مدل فقر فرهنگی، سطح تحصیلات پایین و مهارت نداشتن سرپرست خانواده، سبب اشتغال سرپرست به مشاغل کاذب یا بد می‌شود. این امر درآمد اندک خانواده را به دنبال دارد و خانواده در شرایط نامناسب اقتصادی قرار می‌گیرد (ردجر و استندینگ^۱ به نقل از لهسایی‌زاده و اشرفی، ۱۳۸۱)؛ در نتیجه مشکلات اقتصادی ناشی از درآمد کم، موجب نابسامانی و تنش در خانواده می‌شود. نابسامانی در خانواده هنگامی رخ می‌دهد که نبود سرپرست، فوت یکی از والدین و یا طلاق والدین را به همراه باشد. این

نابسامانی باعث تعارض بین فرد و خانواده می‌شود که پیامدش از هم‌گسیختگی خانواده و ترک از خانه است و این مطلب موجب عدم نظارت والدین بر فرزند می‌شود تا نقش خود را به درستی انجام ندهند.

طبق نظریهٔ پیوند افتراقی، ساترلند^۱ معتقد است، رفتارها از طریق پیوستگی و ارتباط با دیگران، انگیزه‌ها و گرایش‌ها و ارزش‌های انحرافی قرار گرفته می‌شوند. افراد زمانی که خانه را ترک کنند در همین پیوستگی و ارتباط است که مصرف انواع مواد را تجربه کرده، راضی به انجام انواع کارها و ادامهٔ زندگی در خیابان شده و پاتوق شدن در کنار همین افراد را تجربه کرده‌اند (قنادان و همکاران، ۱۳۷۵).

طبق نظریهٔ کنترل اجتماعی، همنوایی از نظر هیرشی^۲ نتیجهٔ درونی کردن هنجارها و ارزش‌های جامعه و انسجام با گروه‌های اجتماعی است. بین فرد و جامعه پیوند ایجاد می‌شود و او را از تخطی از قانون منع می‌کند. نظریهٔ کنترل مدعی است که پیوند قوی یک شخص بیشتر برای همنوایی اوست؛ بنابراین ضعف یا جدایی یک عنصر از دیگر عناصر پیوند اجتماعی احتمال ارتکاب رفتارهای کجروانه را افزایش می‌دهد. نظریهٔ کنترل اجتماعی معتقد است که رفتار بزهکارانه زمانی رخ می‌دهد که پیوند اجتماعی فرد با جامعهٔ شکسته یا ضعیف شود (همان، ۷). این نتیجه با تحقیق آقایی و همکاران با بررسی میزان محرومیت‌های اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی تطبیق دارد.

تطبیق فرآیند سوم گورخواب شدن (مدل عوامل اجتماعی - اقتصادی) با نظریه‌های مرتبط:

زمانی که فرد در خانواده‌ای بزرگ می‌شود که ضعف مالی وجود دارد و با این روند زندگی را سخت می‌گذراند، در پی دستیابی به خواسته‌ها و نیازهایش برآمده و با وجود فقر اقتصادی موجود در خانواده، تصمیم به ترک خانه می‌گیرد و جویای کار می‌شود. در

1. Radger and Standing
2. Hirsch

این بین که هیچ پشتوانه، حمایت و نظارت لازم بر اعمال او وجود ندارد، رفاقت با هر فرد برایش جای امید است. عدم وجود شغل فرد را به انجام کارهای خلاف و یدی می‌کشاند. از نظر ساترلند بر اساس الگوی انتقال فرهنگی، رفتارهای غیر قانونی از طریق کنش متقابل به دیگران آموخته می‌شود (کلانتری و دیگران، ۱۳۹۲). از آنجا که در این بین معتاد شده و اولویت اول برطرف کردن خرج مواد است. از طرفی با دوستان زندگی کردن و در هر شرایط کنار هم بودن برایشان عادت شده و لازمه وجود سرپناه برایشان اولیوی نیست، در پی آن تحت شرایط سخت آب و هوایی و شرایط نامساعد مکان گذراندن شب‌ها، فرد را به سمت استفاده از قبر می‌کشاند.

نظریه داروینیسیم اجتماعی فقر، افراد را با توجه به طرز فکر و رفتار آنها مورد بررسی قرار می‌دهد. وجود خانواده‌های نابسامان که از فقر مالی و عدم پول کافی در سختی به سر می‌برند، باعث می‌شود تا افراد یاد نگیرند که چگونه باید با بحران مالی موجود در خانه کنار بیایند، این نظریه با تحقیق سالارزاده امیری و محمدی که به وضعیت اشتغال و میزان درآمد و حمایت‌های اجتماعی، با تحقیق سفیری و خادم که به احساس ناکامی و حقارت و عدم امید به زندگی پرداخته‌اند تطبیق دارد (پاول و دیان، ۲۰۰۳).

نظریه موقعیتی فقر، تفاوت رفتارهای فقر را به دلیل نداشتن منابع و فرصت‌های انطباق با شیوه‌های متوسط توضیح می‌دهد. افراد زمانی که در این شرایط قرار دارند از دوره ابتدایی ترک تحصیل کرده و فرصتی برای رفتن به دانشگاه و ایجاد ترقی باری زندگی ندارند. این افراد به دلیل شرایط مالی بد خانواده و اوضاع سخت و نابسامان خانواده، ابتدا مدرسه ترک کرده و در پی کسب و کار خانه را ترک کرده، در ادامه درگیر مواد شده و دور شدن از خانه و عدم رسیدگی و نظارت بر اعمال فرد، باعث شدت گرفتن و ضعف بدنی آنها شده که این باعث می‌شود تا فرد نتواند در پی شغل مناسب، تشکیل خانواده برآید که باعث عدم ایجاد ارتباط با جامعه بالاتر از این سطح می‌شود (شیانی، ۸۲).

نظریه‌ی ساختاری فقر، این نظریه علت اصلی فقر را در ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه جستجو می‌کند. شهر زابل به دلیل آنکه منطقه‌ی گرم و خشکی است درآمد بیشتر مردم از طریق کشاورزی در آن تأمین می‌شود و چند سالی است خشکسالی که شدت گرفته است ولی با نزدیکی به مرز افغانستان بیکار نبودند، اما چند سالی است که با بسته شدن مرز و از طرفی عدم وجود کارخانه یا شرکت‌های تولیدی بیکاری بیداد می‌کند و اکثر ساکنان شهر را ترک کرده‌اند. این باعث شده تا عده‌ای از مردم فقر را تجربه کرده و با گذشت زمان و ثابت شدن این اوضاع، مردم راضی به انجام کارهای یدی شده و درآمد آنها فقط کفاف خوراک و خرج موادشان را بدهد و توانایی ایجاد سرپناه را ندارند(همان).

نتیجه‌گیری:

گورخوابی به عنوان یک پدیده‌ی جدید، به یک معضل جدی در جامعه‌ی ایران تبدیل شده است و با وجود جستجوهای انجام شده، هیچگونه پژوهشی در زمینه‌ی گورخوابی به دست نیامده است؛ بنابراین با توجه به مشاهدات و تحقیقات انجام شده در زمینه‌ی بی‌خانمانی می‌توان گفت، گورخوابی دارای پیامدهای منفی و مهمی چون وضعیت اجتماعی و اقتصادی نامناسب زندگی مردمان منطقه، عدم دسترسی بودن مسکن مناسب برای قشر ضعیف جامعه و عدم ایجاد شغل مناسب برای اقشار جامعه است، پس در این پژوهش این سؤالات بررسی شده است:

- فرآیندهایی که گورخوابان طی کرده‌اند تا به مرحله‌ی گورخوابی در شهر زابل رسیده‌اند چیست؟
 - چه چالشها و موقعیت‌هایی در رسیدن به گورخوابی گورخوابان زابل وجود دارد؟
 - افراد گورخواب با چه استراتژی‌هایی بر چالش‌های پیش‌رو فائق می‌آیند؟
- پاسخ به سؤال اول، با توجه به پیشینه‌های موجود، درباره‌ی فرآیندهای رسیدن به

گورخوابی، تحقیقاتی صورت نگرفته است. روش این تحقیق در رویکرد کیفی، روش تحلیل روایت بوده و تکنیک مورد استفاده مصاحبه‌باز، بدون ساختار و عمیق با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند بوده است. پس از گردآوری اطلاعات و ترسیم مدل‌های فرآیندی هر مصاحبه در نهایت به سه مدل کلیدی و برساختی درباره فرآیند گورخوابی رسیدیم.

- مدل سابقه اعتیاد در خانواده

- مدل فقر فرهنگی

- مدل عوامل اجتماعی_اقتصادی

پاسخ به سؤال دوم؛ آنچه از مصاحبه‌ها، روایت‌ها، مشاهدات و همچنین بررسی مدل‌های ترسیمی مصاحبه‌شدگان حاصل گشت و در نهایت اطلاعاتی که با تمرکز بر مدل‌های برساختی و کلیدی به دست آمده است، می‌توان درباره چالش‌ها و موقعیت‌های رسیدن به گورخوابی اینگونه استنباط نمود که: گورخوابان برای قابل تحمل نمودن وضع فعلی‌شان با توجه به اینکه متأسفانه اغلب آن‌ها معتادند و محکوم به این زندگی هستند و به دلیل اولویتی که تهیه مواد برایشان دارد تا صرف هزینه برای سقف و سرپناه داشتن و اینکه به دنبال مکانی امن و بدون مزاحمت برای مصرف موادمند، امنیت، آزادی بیشتر، مصرف مواد، دوری از چشم مأموران، مردم و آشنایان و همچنین باجگیران، خواب راحت شبانه و در نهایت در امان ماندن از سرمای زمستان، زندگی در قبرستان را انتخاب می‌کنند.

در پاسخ به سؤال سوم؛ گورخوابان شهر زابل که اغلب به دلیل نزدیکی به مرز و تهیه مواد مخدر ارزان، رشد یافتن در خانواده‌های متزلزل، داشتن والدینی معتاد و داشتن تجربه مصرف مواد در کودکی، آشنایی با افراد مصرف‌کننده از دوران کودکی، فقر اقتصادی، فقر فرهنگی و ترک خانه، دارای اعتیادند. برای مبارزه با شرایطی که مجبور به سازش با آنند و به دلیل ضعفی که دارند گورخواب شدن برایشان یک استراتژی برای بقاست. افرادی که به دلایل شرایط و وضع موجودشان از جامعه جدا و از اجتماع طرد شدند و در دستیابی به استقلال اقتصادی ناکام مانده‌اند و همچنین امکان ارتباط با مردم برایشان سخت است، ماندن در قبر و زندگی در گورستان را بهترین انتخاب و استراتژی می‌دانند.

نتیجه‌گیری کلی:

گورخوابی پدیده‌ای نو و اجتماعی است که یکی از مهم‌ترین مسائل آسیب‌پذیر در جامعه شهری است. پدیده‌ای که با عوامل ساختاری و کلان‌زمینه آن فراهم می‌شود و از طریق عوامل فردی و شخصیتی نیز بروز می‌یابد. این دو عامل در تعاملی پیچیده و تنگاتنگ، وضعیت را به‌سوی حادث‌تر شدن پیش می‌برند. رشد یافتن در خانواده‌ای متزلزل، دارای فقر فرهنگی و اقتصادی، در جامعه‌ای با شرایط اقتصادی متغیر و بی‌ثبات، فرد را به سوی اعتیاد کشانده تا برای رفع نیازهای خود و به دلیل یاد نگرفتن چگونگی مواجهه با بحران مالی موجود در خانه، چاره را در ترک منزل دیده و در پی نیازهایش بدون هیچ حمایت و پشتوانه‌ای وارد جامعه شده و رفاقت با هر فردی را جای امیدواری می‌بیند و به دلیل عدم توانایی در رفع نیازهایش، بی‌خانمانی را تجربه نموده و این نوع از بی‌سرپناهی شخص را به سوی تخریب و زوال جسمی، روانی و اجتماعی کشانده و در نهایت با طردشدگی اجتماعی مواجه گردیده و به سمت گورخوابی روی می‌آورد.

جامعه‌شناسان بر این باورند که مشکلات اجتماعی به خصوص بی‌خانمانی و سایر آسیب‌های اجتماعی پدیده‌های فردی یا انتزاعی نیستند. آن‌ها، پدیده‌هایی اجتماعی و ریشه‌دار در جامعه‌اند. از دیدگاه جامعه‌شناسان، شکاف بین گروه‌های مختلف جامعه به ظهور برخی از بیماری‌ها در قالب جرم و مشکلات اجتماعی منتهی می‌شود. علاوه بر این، بی‌خانمان شدن معمولاً ناشی از یک عامل خطر منفرد نیست بلکه بیشتر اوقات نتیجه چندین مسأله پیچیده است.

افراد بی‌خانمان به عنوان یکی از آسیب‌پذیرترین گروه‌های زندگی شهری در نظر گرفته می‌شوند. آن‌ها محرومند و از توانایی کمی برای پیشبرد یک زندگی عادی برخوردارند. شرایط خاص مسلط بر زندگی آن‌ها، تمام فرصت‌های ممکن را برای مشارکت آن‌ها در زندگی اجتماعی از بین برده و آن‌ها را از شبکه‌های اجتماعی بیرون قرار داده است.

پیشنهادها:

- ۱_ بررسی بروز پدیده گورخوابی نیازمند تحقیقات زیادی در ابعاد مختلف است.
- ۲_ واکاوی مسأله گورخوابی، نیازمند مطالعات عمیق و ریشه‌ای است.
- ۳_ در مورد چگونگی بروز پدیده گورخوابی هیچ تحقیق علمی بجز مطالعه حاضر صورت نگرفته است. از آنجا که برای جلوگیری و از بین رفتن این معضل، نیازمند شناخت دقیق‌تر علل بروز آنیم، تحقیقات دیگر پژوهشگران می‌تواند در شناخت و جلوگیری از این پدیده یاری‌دهنده باشد.
- ۴_ حمایت، توجه و جدی گرفتن پدیده گورخوابی، می‌تواند از شیوع آن جلوگیری نماید.
- ۵_ چاره‌اندیشی و توجه بیشتر به مسأله اعتیاد و ریشه‌کن شدن این معضل نیازمند یاری رساندن همگان است.

منابع

- استراوس، انسلم؛ کربین، ژولین. (۱۳۹۲). مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای)، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی
- بخشی‌نیا، اکبر. (۱۳۹۷). فهم تجربه زیسته افراد کارتن‌خواب و ارائه الگوی توانمندسازی آنان؛ پژوهش کیفی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- پروین، ستار و علی بابایی، یحیی. (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی آسیب‌های اجتماعی در شهر تهران؛ مطالعه‌ای تجربی، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری (شهرداری تهران)
- توسلی، غلام عباس. (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات سمت.
- جوادی، سید محمد حسین؛ پیله‌وری، اعظم. (۱۳۹۶). بررسی تجربه زیسته مصرف‌کنندگان بی‌خانمان، پژوهش کیفی، فصلنامه اعتیادپژوهی سوء مصرف مواد، سال یازدهم، شماره چهارم و یکم. بهار ۹۶.

خبرگزاری ایرنا <https://www.irna.ir>

- دغاقله، عقیل، کلهر، سمیرا. (۱۳۸۹). آسیب‌های شهری در تهران، زیر نظر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.

دیاری، مرتضی. (۱۳۹۷). روایت پژوهی طرد اجتماعی زنان کارتن خواب، شهر تهران. ذکایی، محمدسعید. (۱۳۸۷). روایت، روایت‌گری و تحلیل شرح حال‌نگارانه، پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی، ویژه‌نامه ۹۶-۹۷.

روزنامه شهروند <https://sharvand-newpaper.ir>

ستاری، بهزاد؛ اعظم، احد و محمدی، محمدعلی. ۱۳۸۲. بررسی میزان گرایش به اعتیاد در سنین بالای ده سال در استان اردبیل، رفاه اجتماعی، ۳ (۹).

سفیری، خدیجه؛ خادم، رسول. (۱۳۹۲). بررسی وضعیت امید به زندگی زنان بی‌خانمان شهر تهران، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم، شماره اول، زمستان ۹۲. شیانی، ملیحه. (۱۳۸۲). وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران، رساله دکتری جامعه‌شناسی، تهران دانشگاه علامه طباطبایی.

صدیق سروستانی، رحمت اله و نصرافهانی، آرش. (۱۳۸۹). اعتیاد طرد اجتماعی و کارتن‌خوابی در شهر تهران؛ پژوهش کیفی، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۸۹.

علیوردی نیا، اکبر. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی کارتن‌خوابی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

قنادان، منصور و همکاران. (۱۳۷۵). مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات آوای نور.

کلانتری، عبدالحسین و همکاران. (۱۳۹۲). سیاست‌گذاری اجتماعی در مواجهه با پدیده کارتن‌خوابی، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

کوئین، بروس. (۱۳۷۰). درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر فرهنگ معاصر.

لهسایی زاده، عبدالعلی؛ اشرفی، حجت‌اله. (۱۳۸۱). بررسی عوامل تعیین‌کننده کار کودکان

(مطالعه موردی شهرستان کاشان)، پژوهشنامه فرهنگی، شماره ۱-۲.

ویکی‌پدیا <https://fa.m.wikipedia.org>

Anderson, Isobel (2010), "Homeless Research in Europe, Service for Homelessness", University of Stirling, Scotland, uk.

Arnold, K. R. (2004). "Homeless, Citizenship, and Identify: The Uncanniness of Late Modernity. Albany": State University Press of New York

- Burt, Martha R. (2007). "Carol L. Pearson , Ann Elizabeth Montgomery. Homelessness" Prevention, strategies, effectiveness. Nova Science Publishers, New York.
- Cronley,C.(2010)."Unraveling the social construction of homelessness." Journal of Human Behaviore in the social Environment, 20: 319-333
- Dashora,M,S.Pushpangali(2010),"Empoweless Youth. An Evaluation of a Participatory Action Research Based program"School of the Ohio State University
- Fall, Kevin L.(2014),"Homelessmen: exploring the experience of shame",phd thesis,university of Iowa
- Gatlin, Dallas W. (2014)." The voice of the Homeless Adult Male: perception of those Who Have Successfully Transitioned to self-sufficiency",Ed.D. Dissertatation. Paper 69
- Glaser,B.G.and Strauss, A.L. (1967)"The Discovery of Granded Theory: Strategies for Qualitative Research". Chicago,IL: Aidine Hasselbrock V.& Hesselbrock M. (2006)"Are there empirically supported and clinically usefui subtypes of alcohol depended?" Department of psychiatry and School of Sosial Work, University of Connecticut School of Medicine, Farmington,CT.USA
- Hodges,Sharan Ella & Beamer Patricia(2014),"Chronically Homeless Service Needs", California State university
- Hopper,K.(1991). Homelessness old and new: matter of definition. Understanding homelessness:New policy and research perspectives
- Kesia et at.(2012),"The Homelessness journey of Homeless people With Complex Needs", CRESR,Sheffield Hallam University.uk
- Koegle,paul(2007),"Homeelessness Handbook,causes of homelessness",Ed. David Levinson and Ross. Great Barrington, MA: Berkshire publishing Group,245-255. Print
- Kindsey,McCarty(2013), Dissertation,"Homelessness and identity: a critical review of the literature and theory", centre for Reginal Economic and Social Research
- Malcam, B.(2004). Evaluating the effects of self-esteem on substnsce abuse among Men s Studies, 19(3), 227-235
- Mann, Hyung Hur(2006),"Empowerment in Terms of Theoretical Perspectives"Konkuk University, journal of community psychology, vol.34,No, 5 ,523-540
- Mayor,Rebecca C."(2011),"African Men Facing Homelessness and cooccurring Disorders", A Q ualitative Lnvestigation of Multiple StigmasDisertation(2009)

- Morgan, William (2011), "Escaping From Homelessness", An interpretative phenomenological study
- Patterson Patterson, A & TWEED, R. G.(2009). Escaping homelessness: Anticipated and perceived facilitators.
- Paul, Diane B.(2003). Darwin, social Darwinism and Eugenics. In the Cambridge companion to Darwin
- Philipps, Kaitline,(2012)"Homelessness: Causes, Culture and community Development as a solution
- Ravenhill, Megan, Honor,(2014)." The Culture of Homelessness: An ethnographic study", published by ProQuest LLC
- Sadan, Elishcva(2004),"Empowerment and community planning: Theory and practice of peple-Focused Sosial Solution"
- Shier, Micheal L(2010),"Perspectives of Employed people experiencing Homelessness of self and Being Homeless"
- Snow, D & Anderson, L(1993)." Down on their luck: A study of homeless street people". Berkeley, CA:University of Califoenia Press
- Vangeest, Janathan B.and Johnson, Timothy P.(2002),"Substance Abuse and Homelessness: Direct or Indirect Effecteds?"